



نگاهی به نشریات طنز و فکاهی سال اول پیروزی انقلاب اسلامی

۱۱

# دیگی که برای آهنگر نجوشد

و وزارت اقتصاد، تمام تلاش خویش را معطوف به محدودکردن بودجه تلویزیون ملی و انتشار تهمت و شایعه علیه قطب‌زاده در مطبوعات همسو و روزنامه خود می‌کرد. در عین حال، قطب‌زاده ابتکاری به خرج داده بود و با استفاده از احساسات انقلابی مردم که هنوز گرم و گسترده بود، نهضت طومارسازی به راه انداخته بود و یک روز در میان برای موضوعی یا مطلبی با اهمیت یا بی‌اهمیت، در گوشه‌ای از کشور طوماری می‌نوشت و امضا جمع می‌کرد و از مراسم امضای مردم و انتشار آن طومار، پشت سر هم گزارش-آگهی و برنامه تحلیلی و خبر پخش می‌کرد. این دعوی قطب‌زاده-بنی‌صدر، چندان برای آهنگر مهم نبود. آنچه مهم بود، این بود که در این میان، سر آهنگر بی‌کلاه مانده بود و چیزی دستش را نمی‌گرفت. تندترین انتقادات از کمیته و نیروهای انقلابی، منفعتی از دولت (که مخالف کمیته و نیروهای انقلابی بود) برای آهنگر به همراه نمی‌آورد و تعریف و چاپلوسی دولت نیز، سودی را عایدش نمی‌نمود. از طرفی، با حمله به دولت موقت نیز نمی‌توانست اعتباری از سوی نیروها و نهادهای انقلابی عاید خود کند؛ زیرا پیشینه توده‌ای آهنگر (و چلنگر) معلوم بود و بر وابستگی خود به بلوک شرق نیز همچنان اصرار داشت.

همین بی‌کلاه ماندن، آهنگر را عصبانی می‌کرد تا جایی که پای ثابت مطالب و کاریکاتورهایش، سوءاستفاده‌ها و غلط‌های قطب‌زاده و بنی‌صدر و در کل، دولت مهدی بازرگان به عنوان موضوع اول و هجو و تمسخر نیروهای انقلابی و نهادهای تازه ایجادشده انقلاب، به عنوان موضوع دوم بود. همان که هادی خرسندی در مصاحبه‌اش بارادیه‌فردا به آن اذعان کرده‌است.

به جایگاه مطبوعات و تبعیض در پرداخت‌ها و توزیع منابع بین مطبوعات آن دوره بود که در رفتار انحصارگرایانه و سودجویانه قطب‌زاده و بنی‌صدر نمود می‌یافت. لذا آهنگر، در اغلب شماره‌های خود، مطالب و کاریکاتورهایی را به پرداخت کمک‌های دولت موقت به نشریات و رفتارهای زشت این دو عضو دولت موقت، اختصاص می‌داد. زیرا همان‌طور که در شماره‌های قبل گفته شد، دولت مهدی بازرگان به واسطه ناصر میناچی، وزیر ارشاد ملی؛ میانه خوبی با اغلب نشریات نداشت و چه بسا آن‌ها را موی دماغ می‌دانست و همین نگاه باعث شده بود تا کمک‌ها و مزایایی را که چه قانونی و چه غیرقانونی از طرف دولت به نشریات و مطبوعات می‌رسید، محدود و حتی قطع کند. این محدودیت دو استثناء داشت. یکی روزنامه ابوالحسن بنی‌صدر که با نام «انقلاب اسلامی» منتشر می‌شد و دیگر مطبوعاتی که با وی همراهی می‌کردند و دوم، مطبوعاتی که تحت حمایت قطب‌زاده، رئیس وقت تلویزیون ملی بودند و به انحاء مختلف به آن‌ها می‌رسید. هر دوی این‌ها برای رسیدن به مقامات بالاتر و کسب قدرت و پول بیشتر به پشتیبانی تنهارسانه موجود آن زمان یعنی مطبوعات نیاز داشتند. گرچه در این راه، اغلب بنی‌صدر موفق‌تر بود.

در آن سال‌ها، هنوز تعداد قابل توجهی از مردم تلویزیون در خانه نداشتند و تلویزیون‌های داخل قهوه‌خانه‌ها یا انگشت‌شمار تلویزیون خانه همسایه یا فامیل، اغلب در معدود شهرهای بزرگی چون تهران وجود داشتند؛ اما همین هم اهرم فشار و سوءاستفاده‌ای در دست قطب‌زاده بود که بنی‌صدر از آن بی‌بهره بود. قطب‌زاده نیز نهایت سوءاستفاده را از تلویزیون ملی برای کوبیدن بنی‌صدر و بی‌ثمر کردن نقشه‌هایش داشت. بنی‌صدر هم در مقابل، با سوء استفاده از جایگاه خود در سازمان برنامه و بودجه

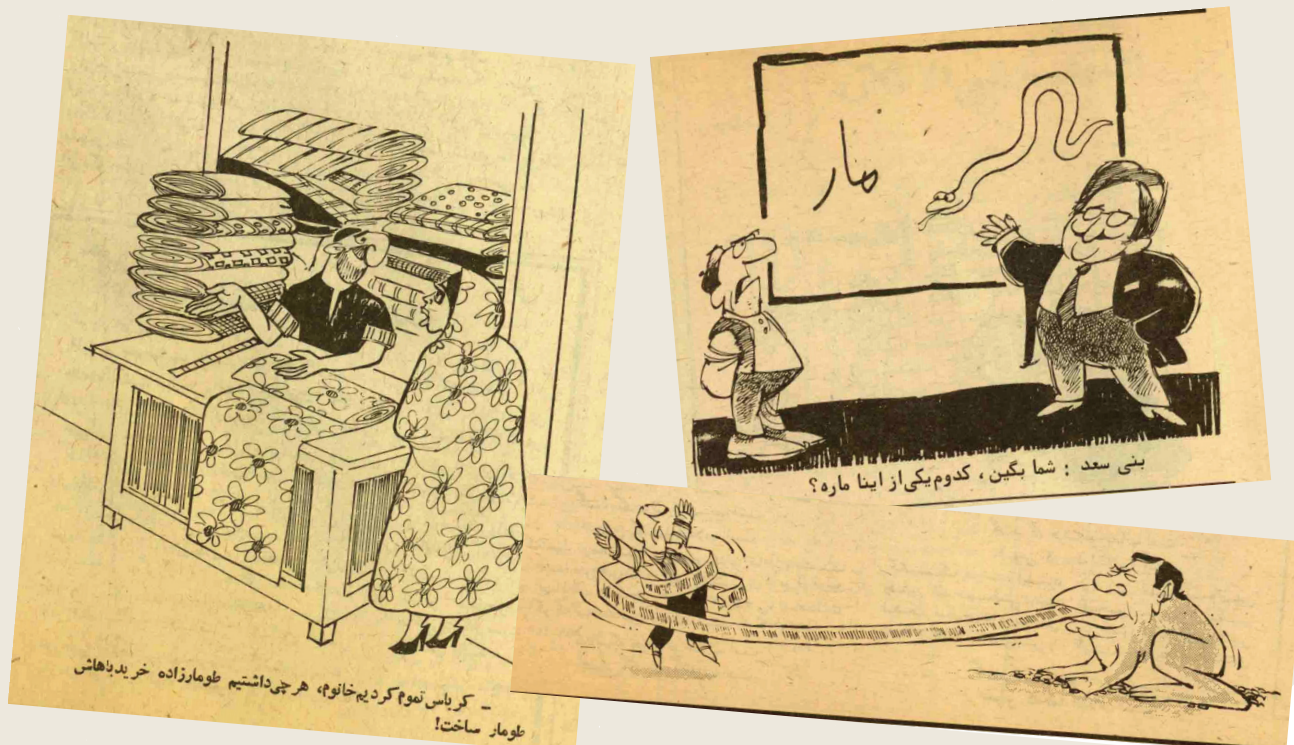
«قطب‌زاده [رئیس تلویزیون ملی در دولت بازرگان] را اسمش را گذاشته بودیم آقای طومارزاده، چون با فرصت‌طلبی زیاد داشت طومارهای پارچه‌ای مطول از اطراف مملکت

به نفع خودش جمع می‌کرد» این راه‌های خرسندی که خود از عناصر ضدانقلاب خارج‌نشین است، در سال ۱۳۹۷ و در مصاحبه با یکی از رادیوهای ضدانقلاب گفت. خرسندی، اولین مطالبش را پیش از انقلاب، برای هفته‌نامه «توفیق» نوشت و بعدتر برای روزنامه‌های مختلف از جمله «تهران‌مصور»، مجله «کاریکاتور»، «جلب سیاحان»، وزارت اطلاعات و جهانگردی و روزنامه «اطلاعات» نیز فکاهی می‌نوشت. در روزهای پایانی سال ۱۳۵۷، هادی خرسندی که دو سالی در انگلیس بود، به ایران بازگشت و دوباره ستونی فکاهی در روزنامه اطلاعات گرفت. وی در این ستون، علاوه بر نیروهای انقلابی و کمیته‌ها، به دولت موقت، خصوصاً قطب‌زاده و بنی‌صدر نیز بسیار می‌تاخت. آنقدر تند، که عاقبت با فشار دولت بازرگان مجبور به ترک اطلاعات شد. وی به روزنامه کیهان رفت اما در همان بدو ورودش به کیهان، چماقداران طرفدار قطب‌زاده در مقابل دفتر روزنامه تجمع کرده و شعار «اعدام باید گردد» برایش سردادند. همان روز، خرسندی از درب پشتی روزنامه کیهان گریخت و تقریباً مخفی شد. با آغاز انتشار آهنگر، به همکاری با این نشریه پرداخت که آن هم خیلی طول نکشید. در آهنگر هم همان خط مخالفت با دولت موقت، خصوصاً آن دو نفر را پی گرفت. وی بالاخره در مرداد ۱۳۵۸ دوباره به انگلیس گریخت و در آنجا تلاش کرد نشریه خودش را منتشر کند.

اما مسئله اصلی خرسندی و هفته‌نامه آهنگر در مخالفت با دولت، غریزگی یا اهمال‌کاری دولت یا حتی جزم‌اندیشی وزیر ارشاد ملی دولت موقت نبود، بلکه بی‌توجهی دولت



نویسنده توفیق فر



کرمی تو نم کردیم خانوم، هرچی داشتیم طومارزاده خرید بهاش  
طومار ساخت!

بنی‌صدر: شما بکین، کدوم یکی از اینا ماره؟